

نقش مدیریت جهادی اماکن و آثار اسلامی در ایجاد و مانایی تمدن و فرهنگ اسلامی

دکتر احسان پوراسماعیل^۱

احسان اخوان ادبائی^۲

چکیده

مدیریت اماکن و آثار اسلامی نقش مهمی را در حفظ، نگهداری و اعتلای این آثار و اماکن بعهدہ دارند. اماکن متبرکه و آثار اسلامی تأثیرات به سزایی در فرهنگ و تمدن اسلامی دارند و به نوعی شناسنامه و تاریخ اسلام هستند. این اماکن و آثار، دارای اثرگذاری بر اجتماع، فرهنگ، هنر، آموزش، معماری، خدانشناسی، امام شناسی، سیاست، قوانین و کلیات زندگی مسلمانان هستند؛ از این رو مدیریت صحیح و اصولی این اماکن علاوه بر حفظ آن، بر زندگی اجتماعی مسلمانان و همچنین در هویت فرهنگی و تمدنی آن‌ها اثرگذار است؛ هم‌چنین باعث زنده نگه داشتن فرهنگ و تمدن اسلامی از صدر اسلام تاکنون می‌شود. این اماکن و آثار در طول تاریخ از زمان پیدایش تا به حال دارای مدیرانی بوده‌اند که شیوه‌ی مدیریتی آن‌ها منجر به حفظ و مراجعه‌ی مردم برای رسیدن به اهداف مد نظرشان، به این اماکن و آثار بوده است. در صورت عدم وجود مدیریت، این آثار یا به صورت طبیعی فرسوده و خطر از بین رفتن آنها متصور بوده است و یا به وسیله‌ی جریان‌های معاند این آثار به صورت کامل از بین می‌رفته است، از این رو نقش مدیر کارآمد در روند حفظ این آثار حائز اهمیت است. در صدر اسلام این مدیریت توسط رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) صورت گرفته است. مدیریتی که خود الگوی را شکل داده است که به واسطه‌ی ارتباط با خداوند و وحی الهی بهترین شیوه‌ی مدیریتی را در تمامی حکومت‌های اسلامی تا کنون پدید آورده است.

کلید واژه‌ها

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، امام علی (علیه السلام)، تمدن، اماکن اسلامی، مدیریت جهادی

^۱-استادیار علوم قرآن و حدیث مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی

dr.ehsanpouresmaeil@gmail.com

^۲-دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اماکن متبرکه مذهبی دانشگاه بین المللی امام رضا (علیه السلام)

ehsan.odabaee@yahoo.com

۱. مقدمه

امروزه شاهد آن هستیم که با پیدایش نظریات و تئوری‌های مختلف در علم مدیریت این نظریه‌ها در گستره‌ی زیادی از زندگی انسانها و روابط بین آنها حکم فرما هستند. دامنه‌ی استفاده از این نظریه‌ها در موضوعات گوناگونی قرار می‌گیرد. این نظریه‌ها غالباً از علوم انسانی غرب و نظریات آنها سرچشمه می‌گیرد. در این میان دیدگاه مکتب اسلام و مذهب شیعه به مدیریت اسلامی معطوف گردیده است. مدیریت اسلامی از زمان پایه‌گذاری حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مکتب اسلام بنیان گردید و پس از ایشان در حکومت امام علی (علیه السلام) و در سیره‌ی مدیریتی امامان معصوم (صلوات الله علیهم) به کار گرفته شده است. طبق آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی احزاب خداوند می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» یعنی: به یقین، برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

در می‌یابیم که تمام زوایای زندگی رسول الله (صلی الله علیه و آله) از طرف خداوند، حجتی مهم و کاربردی برای انسان‌ها تبیین شده است و باید برای زندگی فردی و اجتماعی تک تک مسلمانان و بالخصوص مدیران جامعه اسلامی مورد مطالعه و عمل قرار بگیرد. از سوی دیگر، تأثیری که اماکن و آثار اسلامی در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌گذارند بسیار چشمگیر است. به همین علت به زوایایی از مدیریت این آثار و اماکن مقدس بر مبنای مدیریت اسلامی، که مبنای آن در حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) بر اساس سیره‌ی ایشان تبیین شده است را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

در اینجا سعی بر این شده است که نحوه‌ی مدیریت رسول الله (صلی الله علیه و آله) را تا حدی که متون تاریخی و شواهد به ما اجازه می‌دهند و هم چنین تا حدودی رفتار مدیریتی جانشین به حق رسول الله (صلی الله علیه و آله)، امام علی (علیه السلام) را در ارتباط با موضوع مدیریت اماکن و آثار اسلامی در تمدن و فرهنگ اسلامی مورد کنکاش قرار دهیم؛ براین باوریم این اصول قابلیت بسط به کل ارکان نظام جامعه‌ی ما را دارد؛ این مقاله با روش تحلیلی-قیاسی انجام شده است و داده‌های آن به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و عمدتاً با رجوع به منابع اسلامی گردآوری شده است.

۲. نقش اماکن و آثار اسلامی در فرهنگ و تمدن اسلامی (پیشینه)

آثار به جا مانده از تمدن‌های بشری به نوعی معرفی نامه‌ی آن تمدن می‌باشند که همراه خود دارای مفاهیم مختلفی در جنبه‌های گوناگون آن تمدن و فرهنگ‌های وابسته به آن هستند. در رابطه با تمدن و فرهنگ اسلامی نیز این امر متصور است که آثار و اماکن اسلامی بیانگر بسیاری از واقعیت‌ها و معارف زندگی اجتماعی مسلمانان است که نشان دهنده‌ی قدمت و اصالت آن تمدن می‌باشد. در بررسی ابعاد آثار و اماکن اسلامی می‌توان به اسنادی دست یافت که از بطن آنها به زوایای مختلف تأثیر گذاری بر تمدن و فرهنگ اسلامی و هم چنین مدیریتی پر توان و جهادی در حفظ و اعتلای این آثار و اماکن پرده برداشته می‌شود که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

یکی از نکاتی که در رابطه با اماکن و آثار مذهبی و حتی غیر مذهبی متصور است، نقش تاریخی آنها است که در بین مذهب های مختلف جهان دارای اهمیت است. تا حدی که در صیانت از آنها اجازه نمی دهند حتی کوچکترین اثر به جا مانده از آن تمدن از بین برود؛ زیرا بیم آن را دارند که با از بین رفتن آنها واقعیت های تاریخی از یاد رفته و عده ای آن را انکار کنند. مثال آن مانند تمدن قوم سبأ که عده ای آن را انکار کردند تا اینکه دانشمندان آثاری از آن را کشف کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۹) در دین اسلام ما آثار و اماکنی داریم که به لطف مدیریت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) و پیروان ایشان در طول تاریخ از گزند حوادث، تحریف و دگرگونی دور و محفوظ مانده اند. از نمونه ی آنها می توان به آثاری که در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسط ایشان و در حکومتشان مدیریت شد به مکه ی مکرمه - مدینه ی منوره - قرآن مجید - ودایع امامت - مساجد و... برخی دیگر اشاره کرد. هم چنین به آثار و اماکن اسلامی دیگر که شامل مقابر شهدای اسلام - بیوت پیامبر - مناطق جنگ های پیامبر (صلی الله علیه و آله) - آرامستان بقیع - باغ فدک - مشاهد مشرفه مانند: نجف - کربلا - سامرا - قم - مشهد مقدس و مانند آن حتی حفظ آثاری چون ستون های مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مانند آن اشاره کرد. بحث دیگری که در رابطه با آثار اسلامی متصور است تأثیر آن در فرهنگ مسلمانان است به گونه ای که این آثار با توجه به تأثیر فرهنگی که دارند در نسل های مسلمانان پسین نیز سینه به سینه انتقال می یابد. به این منوال فرهنگ ها به صورت طبیعی زنده و جاری در زندگی روزمره ی مسلمانان هستند که از مواهب آن استفاده می کنند؛ به عنوان مثال می توان به وجود بازارهای مختلف در کنار این المان های فرهنگی اشاره کرد که برخی قدمت یک هزار و چهار صد ساله دارد، بنابراین این آثار نه تنها از حیث فرهنگ بلکه در اقتصاد مسلمانان تأثیر گذار است.

در تاریخ به آثار و اماکن هایی که در زندگی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) وجود داشته و یا آنان به گونه ای با آن منتسب هستند، بر می خوریم که با بررسی آنها به خرده فرهنگ هایی در زندگی ایشان پی می بریم که منجر به هدایت فرهنگی جامعه اسلامی شده است. از نمونه های این آثار میتوانیم به بیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در مدینه ی منوره اشاره کرد که با توجه به موجود بودن آن بیت شریف به ساده زیستی این بزرگوار پی می بریم که خود نمونه ای از فرهنگ ساده زیستی برای مسلمان است. در تاریخ آمده است که برای گسترش مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) در زمان ولید بن عبدالملک برای گسترش مسجد خانه های زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را خراب کردند. از عمران ابن ابی انس نقل شده است که در مسجد مدینه بودم، گروهی از صحابه از جمله ابوسلمه عبدالرحمن، ابوامامه بن سهل و خارج ابن زید را دیدم که به شدت گریه می کردند تا این که محاسن آنها پر از اشک شد و ابو امامه می گفت: «لیتها ترک حتی یقصر الناس من البنیان ویروا ما رضی الله عز وجل لنبیه و مفاتیح الدنیا بیده» (ابن نجار، ۱۴۲۴: ۹۱) یعنی: کاش این حجره ها خراب نمی شد تا مردم می دیدند که رسول الله (صلی الله علیه و آله) در حالی که همه ی دنیا به دستش بود، به همین اندازه راضی شده بود.

در مسجد کوفه نیز محل عبادت امام علی (علیه السلام) و دیگر انبیاء الهی وجود دارد (علامه مجلسی، ۱۴۴۰: ۳۹۸-۴۰۲) که دارای اعمال عبادی هستند که خود نقشی در بیان فرهنگ عبادت دارند.

از دیگر کارکردهای اماکن و آثار مذهبی می توان به نقش اعتقادی آن اشاره کرد که مهم ترین جلوه گاه آن آیین اعتقادی حج است که نقش والایی در تمدن اسلامی داشته و دارد. در بطن این آیین به مفاهیم ارزشی پی می بریم که در آن

نهادینه است از جمله توحید-نبوت انبیاء الهی-تقوا- قربانی کردن-قیامت و مفاهیم دیگر اعتقادی که مایه‌ی تذکر در روح انسان می‌شوند و هر یک از این اعمال اعتقادی در مکان اسلامی، مکه مکرمه شکل می‌گیرد که بیانگر تأثیر شگرف این اماکن و آثار اسلامی در اعتقادات مسلمانان هستند و بقیه‌ی آثار و اماکن اسلامی نیز چنین است.

از دیگر نقش‌هایی که برای اماکن و آثار اسلامی متصور شده است می‌توان به هنر اسلامی اشاره کرد که تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن اسلامی بدون شک یکی از اثرگذارترین‌ها در این حوزه می‌باشد. هنر اسلامی به مجموعه شیوه‌ها و آثار هنری اطلاق می‌شود که در جامعه‌ی مسلمانان و نه لزوماً توسط آن‌ها پدید آمده است. (jenkins et- al, ۲۰۰۱: ۳) هر چند ممکن است این هنرها در مواردی با تعالیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تأثیر فرهنگی و منطقه‌ای در آن به خوبی نمایان است. این هنرها شامل معماری اسلامی-خطاطی اسلامی-شعر اسلامی و مانند آن‌ها می‌شود. هنر اسلامی، هنری است برگرفته از طریقت اسلام و آموزه‌های اسلامی و ممکن است که تحت تأثیر فرهنگ‌های مناطق اسلامی و نیز هنرمندانی که این آثار را به وجود آورده‌اند قرار بگیرد. هنر اسلامی اغلب بر خلق زیبایی با نقوش انتزاعی و استفاده از حروف، متمرکز بوده است. (Schimmel et-al, ۱۹۹۲: 3) به دلیل محدودیت هنرها هم‌چون نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی و حتی گاهی حرام شمردن آنها مسلمانان به سبک‌های مختلف در زمینه‌ی هنرهای انتزاعی سوق داده شدند. در بحث معماری اسلامی نیز به معماری مساجد بر می‌خوریم به ویژه مساجد چهار ایوانه و ستون‌دار که معرف هنر اسلامی هستند. (Britannica, 2005: ۱۵) این عمارت‌های با شکوه تأثیر فرهنگ‌های متفاوت را در درون تمدن اسلامی نشان می‌دهد. هم چنین نقش گنبد در معماری اسلامی بسیار قابل توجه بوده و در طی قرن‌ها در معماری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است و یکی از نمادهای مشهور آن است.

از دیگر آثار اسلامی که قلم از وصفش عاجز است قرآن مجید است که از جانب خداوند بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از طریق وحی نازل گردید. طبق فرمایش رسول الله (صلی الله علیه و آله) «انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض...» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۳۳) یعنی: همانا من در میان شما دو چیز سنگین و گران می‌گذارم، که اگر بدانها چنگ زنید هرگز پس از من گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترت من اهل بیت، و این دو از یک دیگر جدا نشوند تا در کنار حوض بر من در آیند... با توجه به این حدیث به این واقعیت می‌رسیم که برای امت اسلام قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) مایه‌ی هدایت هستند که باید در تمامی شئون زندگی خودشان از آنان بهره بگیرند و راه سعادتشان در آن است. قرآن کریم خود یک نمونه تمدن ساز و فرهنگ ساز است که تأثیر آن در کل جوامع عالم چه مستقیم و چه با واسطه نمایان است. با بررسی تاریخی در میابیم که قرآن کریم بر خیلی از جریان‌های تاریخ ساز از جمله علمی، اقتصادی، اجتماعی، فقهی و مانند این اثر گذار بوده است که به عنوان کتاب راهنما از جانب خداوند برای تمامی مسلمانان و حتی غیر مسلمانان کارایی داشته است. با نگاه به آیات قرآن علاوه بر تأثیر بر گشایش فکری و تأثیرات فرهنگی و روشن کردن خطوط زندگی، فرد مسلمان در همه‌ی ابعاد زندگی خود، به بسیاری از داستان‌های قرآنی پی می‌برد که برای او درس عبرتی است. قرآن علاوه بر تأثیر گذاری عقیدتی و فرهنگی بر مسلمانان در وجود غیر مسلمانان نیز تأثیر عقیدتی شگرفی می‌گذارد که نمونه‌های آن در تاریخ کم نیستند از دیگر نقش‌های اماکن و آثار اسلامی می‌توان به نظام

اداری، سازماندهی و مدیریتی آن اشاره کرد، که نحوه‌ی اداره و موضوعاتی را که در آنجا واقع شده است، بر پایه مبانی مدیریت اسلامی، بر ما نمایان می‌کند و نقش بزرگی در تمدن اسلامی حول این نوع مدیریت به وجود آمده است که به آن پرداخته خواهد شد.

از دیگر هنرهای اسلامی که نقش بارزی در هنر اسلامی دارد خوشنویسی است (Schimmel et-al, ۱۹۹۲: 52) خوشنویسی را می‌توان زبان مشترک بین سرزمین‌های اسلامی دانست. در سرزمین‌های اسلامی خط زیبا را نه فقط در نگارش قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می‌بردند. (روئین، ۱۹۹۹: ۲۰۷) در اماکن و آثار اسلامی از هنر خطاطی و خوشنویسی در کتیبه‌ها، درها، سر درها، گنبدها، حجاری‌ها و مانند این استفاده فراوانی گردیده است. باید توجه داشت که از جمله عواملی که باعث اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن شد نارسایی کتابت آن بوده است که پس از آن با درک این مشکل، با همت خوشنویسان متبحر، قرآن به شیوه صحیح و رسایی نگاشته شد. این سنت در سده‌های مختلف با توجه به ضرورت استنساخ قرآن ادامه یافت. امروزه تقریباً تمام قرآنهای موجود به جای استفاده از حروفچینی، به دست پرتوان خوشنویسان تهیه می‌شود. بنابراین خوشنویسی قرآن، افزون بر حفظ و انتشار از پراکندگی قرائت آن جلوگیری نموده و رغبت مسلمانان را به تلاوت قرآن افزوده است. خوش نویسی، در میان هنرهای اسلامی نزدیکترین پیوند را با قرآن دارد و اساساً علت و سرچشمه پیدایش این هنر نیز قرآن بوده است. تا آنجا که کتابت کلام الله مجید هم توفیقی ربوبی محسوب می‌شده است و هم هنری زیبا؛ در سر حلقه این هنر حضرت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) حضور دارد که خط کوفی را در مقام امامت و ولایت مطلق در اوج زیبایی و کمال کتابت فرموده اند. رفته، رفته هنر خوشنویسی می‌توانست به سبب دستیابی به کمال زیبایی شناختی به جایگاهی محوری در میان سایر هنرهای بصری دست یابد. فراوانند مصحفهای شریفی که تنها از جنبه منحصر به فرد بودن شیوه خوشنویسیشان اهمیت هنری دارند. هنر خوشنویسی تا آنجا پیش رفت که تنوع و گوناگونی شاخه‌های آن از انواع خط‌های رایج گرفته تا نقاشی خط به هر یک مهارت و استادی خاص خود را می‌طلبد.

شعر اسلامی نیز در اماکن و آثار اسلامی به چشم می‌خورد که در بسیاری از کتیبه‌ها و کاشی کارهای اسلامی دیده می‌شود. شعر اسلامی در پنج زبان عربی، فارسی، ترکی، اردو و بنگالی موجود است. کاشی کاری نیز به عنوان پوششی تزئینی در اماکن مذهبی به کار گرفته شده است که بر فرهنگ نما سازی اسلامی تأثیر گذار بوده است و یکی از مفاخر هنر اسلامی محسوب می‌شود.

هنرهای فراوان دیگری هستند که در آثار و اماکن اسلامی استفاده شده است و هر کدام در فرهنگ و تمدن اسلامی تأثیر گذار بوده‌اند که آنها را به عنوان هنر اسلامی می‌شناسیم این هنر جلوه گاه عبرت آموزی، ارتقای فرهنگ، ارتقای آگاهی، درسهای اخلاقی و بسیار دیگر از آموزه‌های والای اسلامی و انسانی است که در غالب هنر در روح انسان تجلی پیدا می‌کند. به یقین این هنر با مدیریتی همراه است که تمام این عناصر را با نظم و هماهنگی در کنار هم قرار دهد و به آن غایت نهایی خود برساند.

از دیگر نقش‌های اماکن و آثار مذهبی و تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن اسلامی بحث دیداری آنها است که آموزه‌های رفیع آنها را از طریق مشاهده کسب نماییم. این امر در غالب گردشگری در قرآن مطرح می‌شود. خداوند در قرآن کریم می

فرماید: «افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او اذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار ولكن تعمی القلوب الّتی فی الصدور» (الحج، ۴۶) یعنی: آیا آنان در زمین سیر نکردند، تادلّهای داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند، یا گوش های شنوایی که با آن ندای حق را بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نایبنا نمی شود، بلکه دلّهای که در سینه هاست کور می شود؛ یا می فرماید: «قل سیروا فی الارض فانظرو کیف بدا الخلق» (العنکبوت، ۲۰) یعنی: بگو در زمین سیر کنید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را به وجود آورده است؛ و از این قبیل در آیاتی دیگر از قرآن نیز وجود دارد (آل عمران ۱۳۷- انعام ۱۱) این تأکیدهای خداوند در سیر و نظاره کردن آثار گذشتگان خود به اهمیت دیدار از اماکن روی زمین برای آگاه شدن و پند آموزی از آنها را در راستای به کمال رسید انسان دارد که آثار و اماکن اسلامی از این قاعده مستثنی نیستند بلکه به سبب وابسته بودن به تاریخ اسلام و شخصیت های آن تأثیر شگرفی بر انسانها می گذارند. این آثار و اماکن اثر گذاری معرفتی از طریق تبلیغات الهی هم برای خود مسلمانان و هم برای غیر مسلمانان را دارند. برای مسلمانان پند آموزی و عبرت گرفتن از آن مثلاً مفاهیمی از قبیل ساده زیستی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و برای غیر مسلمانان آشنایی با اسلام راستین و فرهنگ مسلمانان که منجر به تمدن سازی و معرفی تمدن اسلامی به جهانیان می شود، هرچند منافع دیگری نیز بر این امر متصور است.

۳. تاریخچه ای اماکن متبرکه و مدیریت آن

در طول تاریخ با توجه به فطرت خداجوی انسان اماکن مختلفی برای عبادت وجود داشته است جایی که از خدا یاد شود و بدین وسیله به او تقرب جویند. اکثر ادیان توحیدی و غیر توحیدی هریک فضا و مکانی را به عنوان معبد و محل عبادت خویش در نظر می گیرند و در آنجا به راز و نیاز با معبود می پردازند. این مکانها از نظم و ترتیب در نحوه ی ساخت و معماری برخوردار بوده است که بیانگر توسعه ی جوامع بشری و ساختارهای اجتماعی پیچیده ای بوده است. در آیین های مختلف برای این اماکن عنوان هایی از جمله مسجد، حرم، کنیسه، مندر، آتشکده، کلیسا، و مانند این گذاشته اند. در این جا به بررسی تاریخی بعضی از اماکن و آثار اسلامی که توسط رسول الله (صلی الله علیه و آله) مدیریت شده است، پرداخته خواهد شد.

۴. مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) و مدیریت آن

یکی از اولین آثار اسلامی در شهر مدینه ی عربستان، مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) است که توسط حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و جمعی از اصحاب ایشان بنیان گذاری شده است و مدیریت آن توسط ایشان انجام می گرفته است. این مسجد دومین مسجد مقدس جهان اسلام پس از مسجد الحرام می باشد و در سال اول هجری ساخته شده است و در دوره های مختلف توسعه داده شده است. خانه ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز در کنار این مسجد احداث گردیده است که در توسعه های مسجد به آن ملحق شده است. اقدامات مدیریتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در رابطه با بنیان گذاشتن این مسجد و کارهایی که در آن انجام گرفته است جالب توجه است. اقداماتی که به تشکیل حکومت اسلامی و فرهنگ و تمدن اسلامی منجر گردیده است.

در زمان هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از مکه به مدینه و در زمان ورود ایشان به مدینه قبیله‌های انصار هر کدام بر دیگری برای مهمانداری از رسول الله (صلی الله علیه و آله) پیشی می گرفتند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در اقدامی فرمودند که برای این کار شتر مامور خدا هست و هر جا که او بر زمین نشیند همان جا محل اقامت من است. شتر در محل کنونی مسجد زانو زد. مسجد و خانه‌ی پیامبر در آنجا ساخته شد و دیگر مسلمانان نیز در کنار مسجد خانه‌هایی ساختند که درب آن‌ها به داخل مسجد باز می شد. (ابن زبale، ۱۴۲۴: ۷۴) رسول الله (صلی الله علیه و آله) با اجازه دادن به سکونت گروه‌هایی از مهاجران در اطراف مسجد با این شیوه مدیریتی تمرکز جمعیتی مسلمانان را به آن ناحیه سوق داد و با این سیاست و اقدامات مدیریتی، نقطه‌ای از شهر به مرکزی تبدیل شد که مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) به نقطه‌ی مرکزی آن تبدیل و محل اجتماع مسلمانان شد. اسکان مهاجران در اطراف مسجد و اجازه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جابه جایی برخی از قبایل و افراد انصار در نزدیکی مسجد محلات شهر مدینه را به هم پیوند دادند. نتایج این پیوند و جایگزینی در مدیریت رسول الله (صلی الله علیه و آله) منجر به آن شد که شهر مدینه از یک شهر گسسته به یک شهر متمرکز تبدیل شود (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۹۴-۱۹۵). مسجد می‌توانست به اجتماع مسلمانان بیانجامد و مانع از پراکندگی آنان شود و در عین حال اجتماع مسلمانان ابزار لازم را برای پیشبرد اهداف پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ویژه از جهت ارتباط نزدیک و سریع در اختیار ایشان قرار می داد. (مطهری، ۱۳۹۲: ۲۱۳) نخستین بنای مسجد حدود ۱۰۵۰ متر مربع بود و از جنس خشت و گل بود که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز در کار ساخت آن مشارکت داشتند که این عملکرد، خود روحیه‌ی تعاون و همدلی را در مسلمانان ایجاد و تقویت کرد.

بخش شمال آن که محل اقامت اصحاب صغه بود با شاخه‌های درخت نخل مسقف شده بود. اصحاب صغه گروهی از مهاجران بودند که به دلیل رها کردن دارایی و خانه خود در مکه به فقر و تنگدستی دچار بودند و تحت حمایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) قرار داشتند. در قرآن کریم آیاتی در شان آنان نازل شده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در اقدامی مدیریتی مردمان را به اکرام و در عین حال شناخت فضل و مراتب آنان تشویق کرد. (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۵۱۵) در این اقدام پیامبر (صلی الله علیه و آله) اصحاب صغه را الگوهایی برای دیگر مسلمانان برای ترک مظاهر دنیا و روی آوری به آخرت معرفی کرد. با این اقدام و اجازه سکونت آنها در سکویی در خارج از مسجد ولی متصل به آن به این نکته پی می‌بریم که مدیریت فرهنگی و تربیتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) برای متذکر شدن مسلمانان به ترک ظواهر دنیا و روی آوری به آخرت با نگرستن به حالات اصحاب صغه که معمولا در حال تعلیم و تعلم و جهاد بودند در جوار مکان مقدس چون مسجد چقدر می‌تواند موثر باشد. از دیگر برنامه‌های مدیریت فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌توان به اجازه حکم ورود زنان به مسجد برای اعمال عبادی و نماز جمعه اشاره کرد که در جامعه زن ستیز آن زمان در نوع خودش کم سابقه بوده است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۴۶) در مدیریت توسعه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در توسعه مسجد آمده است که تا سال هفتم هجری بنای مسجد به شکل اولیه خود و دست نخورده بوده است ولی از این تاریخ به بعد به دلیل افزایش جمعیت مسلمانان و فتوحات ایشان و روی آوردن مسلمانان به مدینه النبی (صلی الله علیه و آله) ضرورت توسعه مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) در نظر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و اصحابشان آمد. به نقل از امام جعفر صادق (علیه السلام) در اخبار

دارالهیجره چنین آمده است: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسجد را از درازا و پهنا چنان فراخ کرد که چون مربع ۱۰۰*۱۰۰ ذرعی در آمد». با توجه به برابری نسبی ذرع با متر مساحت مسجد در سال هفتم می بایست برابر ۲۴۳۳ متر مربع شده باشد و این متراژ عینی از بنای مسجد می باشد. تاسیس مسجد در اولین فرصت ممکن توسط رسول الله (صلی الله علیه و آله) (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۱۹: ۱۲۲) به منزله پایگاهی برای آموزش، اسکان بی سرپناهان، آمادگاه سپاه اسلام، محل مشورت و تصمیم گیری عمومی، محل عبادت و نیز محور توجهات فرهنگی و دینی جامعه اسلامی در زمان مدیریت آن حضرت به وجود آمد. اینها گوشه ای از شیوه مدیریت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بر مسجد و مدینه النبی (صلی الله علیه و آله) است و جنبه های دیگری از شیوه مدیریت ایشان در شهر مدینه و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) وجود دارد که بررسی آن در این مقال نمی گنجد. به هر سوء این شیوهی مدیریتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) در مدینه النبی (صلی الله علیه و آله) می تواند برای تمامی مدیران جامعه اسلامی با توجه به تاکید خداوند در قرآن کریم به الگو بودن رسول الله (صلی الله علیه و آله) (الأحزاب، ۲۱) راهگشا باشد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با این سیرهی مدیریتی و رفتاری در حکومت اسلامی تمدنی را به وجود آورد که تا اکنون در جهان پویا می باشد و برای رسیدن به مدینه فاضله تبعیت از آن را لازم می دارد.

دوران صدر اسلام درخشان ترین دوره، در طول تاریخ حیات مساجد است، چرا که در آن روزگار، مسجد نه صرفا محل عبادت، که محل فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی به شمار می آمد که نمونه های آن در تاریخ بسیار است. این مهم از آن رو اتفاق افتاد که بشر زندگی در سایه حکومت حجت خدا را، با تمام وجود تجربه کرد؛ در زمان حکومت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) از جایگاه این مکان مقدس برای پرداختن به امور مختلفی در زندگی جامعه مسلمانان استفاده شده است. مسجد در حکومت و سیرهی مدیریتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) محل مشورت، محل تعاون اجتماعی، تجلی گاه وحدت، پایگاه نظامی، محل قضاوت و عدالت، محل تعلیم و تعلم، کانون امر و نهی اسلامی و محل پیوند دین و سیاست بوده است. مسجد نمادی استوار از تمدن و فرهنگ اسلامی در طول تاریخ بوده است که ارزش و اعتبار خود را در میان مسلمانان حفظ کرده است.

۵. مهمترین اثر اسلامی قرآن کریم

مهمترین اثر اسلامی که از جانب خداوند بر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نازل شده است قرآن کریم است. از بررسی تاریخ قرآن و هم چنین آیات قرآن به این نکته پی می بریم که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای جلوگیری از نابودی و تحریف قرآن تمام تلاش خود را به کار می برده اند. طبق آیات صریح قرآن حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) قادر به نوشتن نبوده اند «و ما کنت تتلو من قبله من کتاب و لا تخطه بيمينک اذا لارتاب المبطلون» (العنکبوت، ۴۸) یعنی: تو هرگز پیش از این کتابی نمی خواندی، و با دست خود چیزی نمی نوشتی، مبدا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند؛ در مکه نیز تعداد کمی از افراد توان نوشتن داشته اند که در مجموع هفده نفر از مردان و یک نفر از زنان بوده اند. (یعقوبی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۹) از سویی ابزار و امکانات لازم برای نوشتن به صورت محدود در اختیار بوده است. از نوشت ابزارهایی که در نوشتن از آن استفاده می شده است می توان به پوست حیوانات، برگ، صفحه های نازک و سپید سنگ، چوب بی برگ و پهن درخت خرما، استخوان شانه ی گوسفند یا شتر که آنرا صیقلی می کردند، چرم و پوست

دباغی، قرطاس به معنی کاغذ، حریر و مانند آن نام برد. (ابن خلدون، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۳۶) این نوشت ابزارها که تهیه و حمل آن با زحمت و مشقت بوده است و سایلی بوده است که برای نوشتن آیات قرآن بر روی آن استفاده می شده است. بنابراین بهترین راه حفظ قرآن از بر کردن و درحافظه سپردن آن بوده است. رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر امر حفظ و از بر کردن آیات قرآن مبادرت می نمودند. (الأعلی، ۶) رسول الله (صلی الله علیه و آله) علاوه بر اینکه به حفظ قرآن به مسلمین سفارش می نمودند حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بر حفظ و نوشتن قرآن مقرر می فرمایند و وظیفه مکتوب کردن قرآن را به ایشان که وصی و جانشین رسول الله (صلی الله علیه و آله) هستند می سپارند. رسول الله (صلی الله علیه و آله) هنگام وفاتشان به امام علی (علیه السلام) فرمودند: «یا علی: القرآن خلف فراشی فی الصحف و الحریر و القراطیس فخذوه و اجمعوه و لا تضیعوه» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۱) یعنی: ای علی! این قرآن در کنار بستر من، میان صحیفه ها و حریر و کاغذها قرار دارد، قرآن را جمع کن و آن را (آنگونه که یهودیان تورات خود را از بین بردند) ضایع نکنید.

در اخبار ابورافع آمده است که امام علی (علیه السلام) به خاطر توصیه ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در باره ی جمع آوری قرآن، پس از آن که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد، قرآن را در جامعه ای پیچیده و به منزل خویش برد و در خانه نشست و قرآن را همان گونه که خدا نازل کرده بود، جمع آوری نمود. علی (علیه السلام) در این کار آگاه بود. (مجلسی، ۱۴۴۰: ۵۲) پیامبر (صلی الله علیه و آله) کاتبان وحی دیگری نیز داشته اند که به کتابت آیات مشغول بوده اند (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۸-۲۹۷) ولی توصیه به مجلد کردن آن از طرف رسول الله (صلی الله علیه و آله) فقط به امام علی (علیه السلام) سپرده شد (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۴۰: ۱۳۵-۱۵۱-۱۸۷، ج ۸۹-۱۲۵). قرآن علاوه بر اینکه در سینه پیامبر (صلی الله علیه و آله) محفوظ بوده است در حافظه مسلمانان و کتابت کاتبان وحی نیز موجود بوده است. همچنین قرآن هر ساله توسط جبرائیل (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرائت می شده است.

از مجموع آیات و روایات چنین بر می آید که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بر امر جمع آوری و مکتوب کردن قرآن اهتمام ویژه ای داشته اند تا آنجا که در این امر متحمل سختی و مشقت نیز می شده اند. سیره ی مدیریتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این امر به این صورت بود که به خاطر اینکه امکان نزول وحی و آیه جدیدی تا آخرین لحظات عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله) میسر بوده است، ایشان فقط نوشته های کاتبان وحی را در نزد خود نگهداری کرده و اقدام به مجلد کردن آن ننموده اند و چون به آخرین لحظات زندگی شریف خود می رسند مسئولیت این امر را به امیرالمومنین علی (علیه السلام) می سپارند و با این تدبیر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قرآن و آیات آن از پراکندگی صفحات دور می ماند. مدیریت جمع آوری قرآن به عنوان بزرگترین اثر اسلامی و تدابیر رسول الله (صلی الله علیه و آله) با توجه به امکانات آن عصر بسیار خردمندانه و مدبرانه بوده است. این اثر الهی نه تنها در تمدن و فرهنگ اسلامی تأثیر شگرف و ماندگاری گذاشته است و در طول تاریخ به اعتلای آن منجر شده است، بلکه در تاریخ و تمدن جهانی نیز به همین منوال تأثیر عمیقی گذاشته است، که جهانیان باید قدردان مدیریت مدبرانه رسول الله (صلی الله علیه و آله) در این امور باشند.

۶. مدیریت در اسلام نبوی (صلی الله علیه و آله)

حکومت اسلامی که جامع ترین آن در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) شکل گرفت، دارای اصول مدیریتی بوده است که الگویی برای ترسیم مدینه فاضله می باشد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از ضوابط و شرایطی برای مدیریت جامعه اعم از مدیریت اقتصادی، نظامی، اجتماعی، سیاسی و مانند این استفاده می کردند که مانند دستورالعملی مقابل چشم مسلمانان برای اعمال مدیریتی خود می باشد. در مدیریت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به بخش هایی از مدیریت بر می خوریم که قابل تعمیم به مدیریت نوین اسلامی نیز است و می شود گفت، شالوده و خط فکری و بنیاد آن توسط حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و پس از آن توسط ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) به معرفی و اجرا گذاشته شده است. این شیوه های مدیریت برای قسمت های مختلف اداره حکومت اسلامی کاربرد دارد از جمله در مدیریت آثار و اماکن اسلامی که مورد بررسی قرار گرفته است. این شیوه مدیریت در مدیریت اماکن و آثار اسلامی در بخش های مختلف آن کاربردی است چه در سطح مدیریت عالی و چه در سطح عملیاتی که با اجرای آن توسط مدیران و کارگزاران، آثار و اماکن اسلامی به خوبی به ایفای نقش تمدن سازی و فرهنگ سازی در سطح اجتماع می پردازند. از شالوده و خط فکری مدیریت اسلامی می توان به حقوق متقابل دولت و ملت، نظام تشویق و تنبیه، نظام نظارت و کنترل در حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله) و مانند آن اشاره کرد و این ها نشان دهنده اهمیت مدیریت در عصر نبوی (صلی الله علیه و آله) بوده است. نمونه های عینی و کاربردی آن در حکومت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) به چشم می خورد. در ادامه به برخی از نمونه ها و اصول آن می پردازیم.

۱.۱.۶ اصل نصیحت و حقوق متقابل

در اسلام روابط میان افراد جامعه، بر پایه ی نصیحت و خیرخواهی استوار است. همه مسلمانان باید با توجه به این اصل روابط گوناگون و حرکت های اصلاحی خود را پی ریزی کنند. حتی رابطه ی انسان با خدا و پیامبر و نیز رابطه ی دولت مردان با مردم و به عکس، باید بر این پایه استوار باشد و کسانی که اصل خیرخواهی را در زندگی و ارتباطات گوناگون خود رعایت نکنند، از جامعه اسلامی طرد می شوند. (مزیانی، ۱۳۸۹: ۹۱) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید: «هر کس به امر مسلمانان اهتمام نرزد، از آنان نیست. هر کس در حال نصیحت و اخلاص نسبت به خدا و رسول و کتاب او و نسبت به امام خود و عموم مسلمانان، صبح را شام نکند، از آنان نیست». (المنذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۵۷؛ علی بن حسام، ۱۴۱۳، ج ۹: ۴۰) در ابتدا اینگونه پنداشته می شود که نصیحت یک امر اخلاقی است و نه مدیریتی ولی باید گفت که نصیحت اگر یک امر اخلاقی باشد باید گفت که اخلاقیات پشتوانه واجبات هستند و از آنجا که حکومت و مدیریتی که بر پایه اسلام بنا شده باشد باید از احکام واجب و مستحب آیینش در مدیریت جامعه استفاده کند پس مدیر جامعه اسلامی نیز باید در وهله ی اول اخلاق را مد نظر قرار دهد و سپس در اصول مدیریتی خود لحاظ کند. با اینکه در سیره ی اهل بیت (صلوات الله علیهم) نصیحت جایگاه ویژه ای دارد ولی در روزگار ما از نصیحت به دلیل ترتیب اثر ندادن به نصایح و رعایت نشدن حقوق ناصحان و استفاده نادرست از نصیحت و مانند این جایگاه آن به خوبی لحاظ نشده است. در باب معنی نصیحت نوشته شده است که نصیحت، انتخاب و ابزار عمل و یا گفته ای است که خیر و صلاح نصیحت شونده در آن باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۵۱۵) به عبارتی نصیحت را می توان همان انتقاد سازنده و عمل به آن و خیرخواهی را همان پیشنهاد سازنده و عمل به آن تعریف

کرد. درباره نصیحت در حکومت اسلامی سه موضوع در روایات اسلامی متصور می شود که عبارتند از : ۱- نصیحت و خیرخواهی، حق امت: رسول الله (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرمایند که «سه چیز است که قلب هیچ مسلمانی نباید در آن تردید کند: اخلاص عمل برای خدا، نصیحت و خیرخواهی رهبران مسلمین و همراه بودن با جماعت مسلمانان» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۲: ۳۶۵-۳۶۶) هم چنین می فرمایند: «دین عبارت است از نصیحت. گفته شد برای چه کسی ای پیامبر خدا؟ فرمودند: «برای خدا، پیامبر خدا، ائمه ی مسلمین و جماعت مسلمانان» (عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۵۹۵) ۲- نصیحت و خیرخواهی، حق حاکم: رسول الله (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرمایند: «با بندگان خدا خیرخواهانه برخورد کنید، چون هر کس چیزی از امور مردم را متصدی شود و نسبت به آنان خیرخواهی نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند» (میانجی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۵) همچنین می فرمایند: «هر حاکمی که کاری از کارهای مسلمانان را بر عهده گیرد و وظیفه خیرخواهی را نسبت به آنان رعایت نکند و کوشش را به عمل نیاورد، به همان اندازه که خیرخواه خود بوده و برای خود تلاش می کند برای مسلمانان تلاش نکند، خداوند او را روز قیامت در آتش خواهد افکند» (پابنده، ۱۳۸۶: ۲۱۰) و نیز می فرمایند: «هر امام و والی در حالی بخواهد که نسبت به رعیت نیرنگ زده باشد، خداوند بهشت را بر او حرام کند، بهشتی که بوی خوش آن از راهی هفتاد ساله پیداست» (علی بن حسام، ۱۴۱۳، ج ۶: ۳۵) ۳- اهمیت و جایگاه نصیحت و خیرخواهی: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در پاسخ سوالی که از ایشان می پرسند در قسمتی از جواب سوال می فرمایند که: «و اما فرمان برداری ناصح چندین اثر دارد: فرونی عقل و کمال آن، نیک فرجامی، نجات از سرزنش، پذیرش و مقبولیت، گشاده دلی، یکسان نگر، پیشرفت در کارها و نیروی فرمان برداری از خدا. پس خوشا به حال کسی که از لغزش ها و خواهش های نفسانی ایمن بماند.» (حرانی، ۱۳۹۳: ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۱۹: ۱۱۹) با توجه به این روایات باید تعاملات بین مدیر و ارباب رجوع و همچنین مدیر و نیروی انسانی و بالعکس باید بر پایه اصل نصیحت و خیرخواهی بر قرار باشد که می توان گفت یکی از اصول مهم در این باب است. پس از شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مسلمانان همواره به این اصل توجه داشتند. ناصحان باید دارای ویژگی هایی باشند تا نصیحت آنها کارساز و موثر باشد. ناصحان باید صالح و آراسته به فضایل اخلاقی و پیراسته از رذایل اخلاقی و ناپاکی ها باشند تا سخنان آنان همگونه که از دل برمی خیزد بردل نشیند. ناصح اگر ناپاک باشد به جای در نظر گرفتن مصلحت امت و حاکم اسلامی، همواره در پی منافع و مصالح خویش یا حداکثر باند و حزب خود می باشد. از این رو در برخی روایات آمده انسان های منافق، حسود، سخن چین، فرومایه، پست، نیرنگ باز و شیطان صفت و از این قسم نمی توانند ناصحان خوبی باشند، هر چند در لباس مقدس نصیحت ظاهر شوند. مدیران اسلامی باید مواظب چنین افرادی باشند زیرا اینها از بی حرمتی دیگران باکی ندارند. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «از آن که خردش گرفته شده، نصیحت نپذیر و به کسی که نژادش ناپاک است اطمینان نکن، زیرا کسی که خردش را از دست داده در نصیحت و خیرخواهی خالص نبوده، غش روا می دارد و کسی که اصل و نژادش ناپاک است از همان جایی که باید اصلاح کند، فساد می کند» (آمدی، ۱۳۹۵، ج ۶: ۳۳۱؛ ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۵۹). ناصحان در نصیحت باید حدود و مرزهای آن را مد نظر قرار بدهند به طوری که اگر از آن کندی و تفریط کند به وظیفه اسلامی خود عمل نکرده است و اگر دچار افراط شود نه تنها نصیحت او بی اثر خواهد بود که خودش نیز در موضع تهمت قرار می گیرد، چرا که نصیحت شونده چنین فکر می کند که تاکید و اصرار ناصح جنبه شخصی دارد. نصیحت کردن دارای چهارچوبی است که نباید از آن خارج شد، به طوری که حرمت شکنی، غش در نصیحت و باند بازی و گروه گرایی در آن راهی نداشته باشد. عواملی که

باعث غفلت از نصیحت و خیرخواهی با همه اهمیت و جایگاهی که دارد می شود میتوان به تلقی نادرست از نصیحت، فاصله گرفتن حاکم و مردم از آموزه های اسلامی، عدم احساس وظیفه، دنیا گرایی، بی اثر پنداشتن نصیحت، ترتیب اثر ندادن به نصایح، عدم رعایت حقوق ناصحان و همچنین موانع موجود در راه نصیحت از جمله تکبر و زورگویی حاکمان و ترس و وحشت نصیحت گیران از برخورد شدید با آنان و استفاده ناصحیح از اصل نصیحت و مانند این را می شود نام برد. مدیران جامعه اسلامی در هر مکانی که مشغول به خدمت هستند بایستی طبق سیره ی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (صلوات الله علیهم) این شیوه مدیریتی مهم را نصب العین عملکرد مدیریتی خود قرار بدهند تا در رسیدن به اهداف خود و جامعه مسلمین موفق باشند.

۲.۶. گزینش نیروی انسانی ارزشی در حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله)

در اسلام، چگونگی عمل کرد کارگزاران نظام اسلامی از مسائل مهم و در خور توجه است. بی تردید، رفتار درست کارگزاران در استحکام پایه های حکومت و ماندگاری آن نقشی اساسی دارد و این جز با انتخاب و گزینش افراد صالح امکان پذیر نیست. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به این امر توجه جدی داشتند و افرادی را بر می گزیدند که شایستگی های لازم را برای پذیرش مسئولیت دارا باشند. با توجه به الگو بودن رسول الله (صلی الله علیه و آله) برای مسلمانان که خداوند در قرآن در این باره فرمود: «لکم فی رسول الله اسوه الحسنه» (الأحزاب، ۲۱) به این نکته می رسیم که در حکومت دینی باید طبق ملاک های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای مدیریت جامعه در طبقات مختلف آن الگو پذیرفت. در اداره ی اماکن وابسته به حکومت اسلامی اگر افرادی به کار گرفته شوند که در برابر وسوسه های نفسانی تاب نیاورند نظام اسلامی را در آن بخش ناکارآمد کرده اند و بالعکس. در نظام اسلامی بر اصل شایسته سالاری تاکید ویژه ای شده است. شایستگی به معنای داشتن توانایی، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت است. (محمدپادشاه، ۱۳۳۶، ج ۴: ۲۵۷۷) شایسته سالاری اصلی است که با فطرت انسانی سازگار است و در همه مکتب ها و فرهنگ های بشری مورد اتفاق است. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بعد از فتح مکه، استانداری آنجا را به عتاب بن اسید سپردند و در این باره به او فرمودند: «ای عتاب! آیا می دانی تورا بر چه کسانی فرمان روا کردم؟ تو را بر اهل حرم خدا و ساکنان مکه فرمان روا ساخته ام. اگر از مسلمانان کسی را شایسته تر از تو برای این مقام می یافتیم این کار را به او می سپردم.» (اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳: ۵۶۶) رسول الله (صلی الله علیه و آله) درباره ی شایسته سالاری نیز می فرماید:

۱- ریاست جز برای اهل آن شایسته نیست. (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۲: ۱۱۰)

۲- بهترین هایتان را برای کارها و مسئولیت ها انتخاب کنید. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶: ۲۷۳)

۳- والی باید پنج خصلت داشته باشد یکی از آن ها این است که برای انجام کارهای مردم از بهترین افراد استفاده کند. (علی بن حسام، ۱۴۱۳، ج ۵: ۴۷)

۴- پیشوای هر جامعه ای، جامعه را حرکت می دهد. از این رو، برترین فرد را برگزینید. (فیض کاشانی، ۱۳۶۹، ج ۸: ۱۱۷۴)

در نظام مدیریتی اسلام علاوه بر اینکه مدیر باید دارای تخصص، تعهد و دین داری و آراستگی افراد به شایستگی های اخلاقی و پیراستگی آنان از رذایل اخلاقی نیز لازم است.

در گزینش اسلامی دو نوع معیار برای این امر نام برده اند: ۱- معیارهای عقلانی ۲- معیارهای ویژه و مکتبی. معیارهای عقلانی، معیارهایی هستند که ویژه جامعه و حکومت خاصی نمی باشند، بلکه معیارهایی هستند که از ماهیت کار و نقشی که

مدیر و کارگزار باید داشته باشد بر می خیزد. افراد عاقل هرگاه بخواهند مسئولیتی را در هر زمینه ای به کسی واگذار کنند، دست کم شرایطی را در نظر می گیرند، از جمله

● عقل و رشد فکری فرد انتخاب شده: در قرآن کریم در این باب آمده است: «ولا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما» (نساء ۵-۶) یعنی: اموالتان را که خدا قوام و قیام شما را در آن قرار داده، در اختیار افراد کم خرد قرار ندهید.

● قدرت و تخصص مدیر و کارگزار: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به ابن مسعود فرمودند: «ابن مسعود! وقتی که عملی را انجام می دهی با علم و عقل انجام بده. بپرهیز از این که عملی را بدون تدبیر و علم انجام دهی، زیرا خداوند می فرماید: همانند آن پیرزنی نباشید که بافته های خود را پس از محکم کردن باز می کرد» (طبرسی، ۱۳۸۶: ۴۵۸). در قرآن کریم درباره موضوع علم و قدرت مدیر نیز داستانی آمده است. آن زمان که قوم بنی اسرائیل از پیامبر خود اشموئیل (علیه السلام) درخواست فرماندهی کردند و ایشان به دستور خداوند طالوت را بر این امر برگزید قوم بنی اسرائیل به خاطر کمی ثروت طالوت به فرماندهی آن معترض شدند که خداوند علم و نیروی بدنی فراوان طالوت را به آنها گوش زد کردند و او را شایسته امر فرماندهی قوم خواندند: «قال ان الله اصطفاه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم و الله یوتی ملکه من یشاء و الله واسع علیم» (البقره، ۲۴۸) یعنی: خدا او را بر شما برگزیده و علم و قدرت جسم او را وسعت بخشیده است. خداوند مُلک اش را به هر کس بخواهد می بخشد.

● امانت داری و درستکاری: که یکی از معیار های عام و عقلانی در گزینش است. کسانی که فاقد این ویژگی باشند ممکن است در اصل کار و یا در چگونگی انجام آن خیانت کنند. از این رو پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «کسی که فردی را از میان جمعی به کار گمارد و بداند در میان آنان کسی هست که بیشتر از وی مورد پسند خداوند است، به خدا و پیامبرش و مومنان خیانت کرده است» (علی بن حسام، ۱۴۱۳، ج ۶: ۲۵). هم چنین امام علی (علیه السلام) در نامه ای به حاکم آذربایجان نوشتند: «مبادا بپنداری که حکومت شکاری است که به چنگت آمده، خیر. امانتی است که بر گردنت قرار گرفته و آن که بالا دست توست، از تو رعایت و نگهداری و حفظ حقوق مردم را می خواهد. ترا نرسد که به استبداد و دل خواه خود در میان مردم رفتار کنی» (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۳۴۵).

معیار های ویژه و مکتبی معیاری است که با توجه به اسلام و ارزش های آن شکل گرفته و حاکمیت و عینیت بخشیدن اسلام در همه ی زوایای آن، مبنای اصلی است. معیار های مکتبی شامل:

● شناخت اسلام و عمل به آن: که برای مدیریت جامعه اسلامی و زیر مجموعه های آن که بر اساس مدیریت اسلامی اداره می شوند لازم می باشند از این رو مدیران باید کسانی را انتخاب کنند که آگاه ترین و مومن ترین مردم نسبت به اصول و مبانی آن مکتب باشند. در تعیین مدیر و کارگزاران او افزون بر شرایط گذشته، باید ایمان و آگاهی کامل به اسلام و مقررات آن وجود داشته باشد. امام علی (علیه السلام) در نامه ای به حذیفه بن یمان بر گزینش افراد دیندار امین تاکید کرد: «افراد مورد اعتماد و کسانی را که مورد علاقه تو هستند و از دیانت و امانت داری آنان، راضی می باشی گرد آور و از آنها در کارهای یاری بخواه» (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۲۸: ۸۷-۸۸).

● قانون مداری: که از ویژگی های مدیران و کارگزاران حکومت نبوی می باشد. مدیران و کارگزاران برای برپایی قانون و دستورهای اسلامی در همه زوایای جامعه اسلامی باید تلاش کنند و هیچ چیز و هیچ کس را مانع

اجرا و گسترش قانون ندانند. با قانون شکنان برخوردی قاطع داشته باشند و هرکس را در جایگاه خود قرار دهند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که معاذ بن جبل را به عنوان فرمان دار به یمن فرستادند، به او فرمودند: «مردم را در جایگاه و موقعیت خویش قرار ده و امر خدا را در میان آنان اجرا کن و بر دخالت در امر و مال مردم کسی را جرئت نده. سنت های جاهلی را، مگر آن چه که اسلام بر آن صحه گذاشته است در میان جامعه بمیران و همه دستورهای اسلام را اعم از کوچک و بزرگ در جامعه زنده و آشکار کن» (حرانی، ۱۳۹۳: ۱۹).

● عدالت محوری: که کارگزاران و مدیران جامعه اسلامی باید همانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) را سرلوحه امور خود قرار دهند و امور خود را بر اساس عدالت سامان دهند. آنان نباید تنها به این که خود اهل ستم و رشوه و حق کشی نیستند دل شاد باشند، بلکه موظفند از ستم زورگویان هم جلوگیری کنند و تا آنجا که توان دارند فریاد رس مظلومان باشند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید: «جامعه ای که در آن مسئولان حق ضعیفان را از توان مندان نستانند رشد و تعالی نمی یابد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۳۴۵).

● انتخاب اصلح: که در گزینش مدیران و کارگزاران حکومت دینی شرطی است بالاتر از شایستگی. انتخاب اصلح به این معنی است که در میان شایستگان آن که از همه برتر است باید به عنوان کارگزار انتخاب شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برابر روایاتی فرمودند: «ریاست تنها شایسته انسان های لایق آن است. پس هرکس مردم را به خود فرا خواند، در حالی که در میان آنها داناتر از او وجود دارد، خداوند در قیامت نظر لطفی به او نخواهد داشت» (مفید، ۱۳۹۵: ۲۵۱).

● شایستگی اخلاقی: یکی دیگر از ملاک های گزینش در مدیریت اسلامی است. در سیره مدیریتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر پابندی به اخلاق و ارزش های اخلاقی بسیار تاکید شده است و این اصل را به کارگزاران و مدیران تحت امر خود نیز سفارش می کردند از باب نمونه در نامه خود، به معاذ بن جبل هنگامی که او را به سوی یمن فرستادند، فرمودند: «تو را به تقوای الهی، صداقت در گفتار، وفای به عهد و ادای امانت و ترک خیانت، سفارش می کنم.» (حرانی، ۱۳۹۳: ۱۹) با نگاهی به سیره و زندگانی آن حضرت، چه پیش از اسلام و چه پس از تشکیل حکومت اسلامی در می یابیم که آن بزرگوار برای کسب قدرت یا استحکام قدرت خود به هیچ رو، از اصول اخلاقی و ارزشی عدول نکردند، از باب نمونه، رئیس قبیله بنی عامر گفت: «من و قبیله ام به شما می پیوندیم، به شرط اینکه پس از شما حکومت به ما واگذار شود.» پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ فرمودند: «امر حکومت به دست خداست و آن را به هر که بخواهد می سپارد» (ابن هشام، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۶) و هم چنین در موارد مشابه نیز همین جواب از پیامبر (صلی الله علیه و آله) داده شده است. اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار حکومت و انسجام پایه های قدرت خود بودند، در موارد یاد شده می توانستند همانند دیگر حاکمان به آنان وعده دهند، اما پس از استحکام قدرتش به وعده خود عمل نکنند. از خطاهایی که مدیران مرتکب می شوند توسل به وعده و وعید به هنگام ضعف و وضعیت بحرانی است. یکی از دلایل به کار گیری این شیوه گذر از ضعف و وضعیت بحرانی است که معمولاً پس از برطرف شدن ضعف و سستی و حل بحران، وعده ها فراموش می شود. از نگاه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) این شیوه ضد اخلاقی است و نتیجه آن به یقین به سود قدرت مدیریتی نیست، زیرا در بحران های بعدی، وعده و وعیدها

کارآیی خود را از دست می دهند. از نگاه مکتب حیات بخش اسلام، آراستگی به فضایل اخلاقی و پیرایش خوی های زشت، وظیفه همگان است، اما این آراستگی و پیراستگی در مدیران و کارگزاران حکومت دینی از اهمیت بیشتر و بالاتر برخوردار است. در روش و اقدامات مدیریتی کارگزاران جامعه اسلامی پایبند بودن به تمام فضائل اخلاقی و دوری از رذائل اخلاقی به صورت ویژه باید لحاظ شود که در اینجا به چند مورد که وجود آنها در کارگزاران از اهمیت بیشتری برخوردار است، اشاره می کنیم: در باب فضائل می توان به ۱- رفق و مدارا با مردم ۲- مردم گرایی ۳- مهربانی و دلسوزی ۴- عفو و گذشت ۵- خدمت به مردم ۶- ساده زیستی ۷- آسان گیری ۸- حلم و بردباری ۹- آینده نگری و عاقبت اندیشی ۱۰- پاسخگویی ۱۱- شهامت و شجاعت ۱۲- مشورت و رایزنی ۱۳- راستگویی می توان اشاره کرد و در باب رذائل اخلاقی می توان به ۱- دروغگویی ۲- مقام طلبی ۳- غش و خیانت ۴- هدیه و رشوه ۵- ترس و بخل و حرص ۶- ستم کاری ۷- بزرگ منشی و رفتار شاهانه ۸- استبداد رای ۹- تجمل گرایی اشاره کرد. در تمام این موارد که نام برده شد روایاتی در سیره مدیریتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) موجود می باشد که در این مقال نمی گنجد. در سیره نبوی (صلی الله علیه و آله) متناسب با هر مسئولیت که به شخصی سپرده می شده شرایط ویژه آن مسئولیت نیز مد نظر قرار می گرفته است. به طور نمونه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای سفیران اسلامی شرایطی را از جمله ۱- زبان مکالمه مناطقی که سفیر به آنجا فرستاده می شده را یاد داشته باشند که در طبقات ابن سعد آمده است. ۲- بلاغت و توان قانع کردن طرف گفت و گو کننده، درباره جعفر ابن ابی طالب (علیه السلام) که سرپرست مهاجران حبشه بود آمده است: چنان سخن گفت که نجاشی و سایر کشیش های حاضر در مجلس به گریه افتادند تا آنجایی که انجیل های مقابلشان از اشک چشمتان تر شد. (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۱۸: ۴۱۸؛ ابن هشام، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۵۷-۳۵۹) ۳- صبر و مقاومت بسیار که بعضی مواقع تا سرحد مرگ و شکنجه شدن در این راه پیش می رفتند و در این راه به شهادت می رسیدند. ۴- انسان های خوش چهره و باهویت را برای این امر انتخاب می کردند که از نمونه های آن دحیه کلبی عبدالله حذافه و جعفر ابن ابی طالب (علیه السلام) را می توان نام برد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۷۶۰؛ کتانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۷۳-۱۷۵).

۳.۶. مدیریت آموزش و تربیت کارگزاران اسلامی در حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله)

در روزگار پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) تعلم و تربیت همانند امروز نبوده است تا از شیوه های مشخص، در آن زمان سخن گفته شود ولی از دقت و تامل در گفتار و سیره ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و امام علی (علیه السلام) در دوره پنج سال حکومت بر جهان اسلام می توانیم روش های بسیاری را استخراج و در تربیت مدیران و کارگزاران از آن بهره گرفت. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) برای تربیت کارگزاران و عموم مردم از روش هایی بهره می گرفتند که شامل ۱- روش عقلانی ۲- روش الگویی. مقصود از روش عقلانی، مجموعه تدبیرها و راه هایی است که به گونه ای سازمان یافته، رشد و پرورش عقل را در دو بعد نظری و عملی فراهم می آورد. تفاوت انسان با سایر موجودات در عقلانیت اوست و علاوه بر آن تربیت و آموزش خود یک

تلاش عقلانی است. قرآن کریم پایه و اساس نظام تربیتی اسلام را بر حکمت و عقلانیت استوار می‌داند. (النحل، ۱۲۵) روش و سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۵) و امام علی (علیه السلام) در همه ابعاد حکومت و در مدیریت آن چه در تاسیس حکومت و چه پذیرش خلافت (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۲۹) و چه پس از آن در برخورد با مردم و جریان های گوناگون و کارگزاران، بر عقلانیت استوار بوده است. در باره روش عقلانی می‌شود به: ۱- تفکر و تعقل ۲- دعوت به دانش و هم نشینی با عالمان ۳- مشورت ۴- تجربه اندوزی و استفاده از تجربه دیگران ۵- فراخوانی به تدبیر و عاقبت اندیشی اشاره کرد. هر کدام از این موارد، دارای مصادیقی در سیره مدیریتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) است که در شرایط مختلف با آن روبه رو بوده اند و به کار گرفته شده است. دومین شیوه مدیریتی در اسلام شیوه الگویی است. یکی از روش های تربیتی اسلام ارائه الگوی عملی است. ارائه الگو از ابعاد گوناگون در تربیت کارگزاران موثر می باشد. ارائه الگو باعث می شود که کارگزاران و مدیران با شناخت و مشاهده الگو از آن پیروی کنند. در جهان بینی اسلامی، پشتوانه باور به رسالت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامت پیشوایان معصوم (صلوات الله علیهم) اصل الگو مداری است. خداوند در دوره های گوناگون، پیامبران (صلوات الله علیهم) را فرستادند تا مردم به ویژه مسئولان حکومتی از رفتار آنان پیروی کرده و آنان را در ابعاد گوناگون زندگی، الگوی خود قرار دهند. به همین دلیل بسیاری از پیامبران (صلوات الله علیهم) در قرآن به عنوان امام و اسوه معرفی شده اند. (الأنعام ۸۳-۹۰-الأنبیاء ۷۳-الممتحنه ۴-۶) از باب نمونه، قرآن درباره اسوه بودن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) چنین می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه الحسنه» (الأحزاب ۲۱) «برای شما رسول خدا الگویی نیکو و پسندیده ای است»، با توجه به این آیه الگو بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جهانیان به صراحت از طرف خداوند آورده شده است، که این الگو بودن تابع شرایط زمانی و مکانی خاصی نیست و برای همیشه تا روز قیامت برای جهانیان ساری و جاری خواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) درباره ی روش الگوگیری از زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «برای تو کافی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) الگو و اسوه خود قرار دهی... پس، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود که پاک و پاکیزه است الگو بگیر، چرا که او خوب الگویی است برای الگوخواهان و نسبت شایسته و نیکویی است برای کسی که بخواهد به او نسبت داشته باشد. محبوب ترین بندگان در نزد خداوند بنده ای است که از پیامبرش پیروی کند و جای بر جایگاه قدم او نهد.» (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۲۱۱) همچنین در قرآن کریم آمده است: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» (آل عمران ۲۹) «بگو ای پیامبر! اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید که خداوند شما را دوست بدارد». با الگوگیری و اقتدا به این الگوی کامل و جامع است که انسان به سوی خوبی ها رهنمون و از بدی ها می‌رهد و به سوی کمال مطلق حرکت می‌کند. وجوب الگوگیری و اقتدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر معصومان نیز همین است. یکی از شیوه هایی که در امر تربیت و آموزش اسلامی وجود دارد بیان خواسته های مدیریت در قالب احکام کتبی یا شفاهی و یا دستورالعمل ها و تعیین حدود مسئولیت کارگزاران است. در این صورت کارگزار باید از این دستورالعمل تبعیت نماید که در غیر این صورت دچار لغزش می‌شود. نمونه هایی از این در نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر آمده است. (سید رضی، ۱۳۸۵: ۴۰۳) همچنین زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) معاذ بن جبل را به یمن فرستادند به او فرمودند: «از رفتار و کردار کارگزارانت در هر مورد که ممکن است از سوی آنان به تو عیبی وارد شود پوزش بخواه تا مردم پوزش تو را بپذیرند.» (حرانی، ۱۳۹۳: ۲۵) یکی دیگر از اقداماتی که برای تربیت و آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد اصل بهره گیری از

تاریخ است. با این که رویدادها و حوادث تاریخی به گذشته مربوط است ولی تأثیر و نقش آن در حال و آینده و بهره گیری از آن و یادآوری آن ها به کارگزاران در تربیت و آموزش کمک به سزایی می کند. همچنین حوادث تاریخی با خیلی از مسائلی که در حال برای مدیران به وجود می آید تشابهات زیادی دارند که از این رو نحوه ی حل آن مسائل در گذشته بررسی می شود و در شیوه مدیریتی و حل مسائل کنونی از آن استفاده می شود. در قرآن کریم درباره ی حوادث گذشتگان و پیامبران (صلوات الله علیهم) قبل از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) داستان های زیادی آمده است که در جای جای قرآن به آن اشاره شده است و نمونه های روایی و قرآنی در این مورد بسیار است. (آل عمران ۱۳۷-نحل ۶۹-اعراف ۱۰۱-روم ۹) در کتاب های آسمانی قبل از این، به حوادث و تاریخ گذشتگان نیز پرداخته شده است و این موضوع نشان دهنده اهمیت تاریخ گذشته بشری برای عبرت آموزی آیندگان است که از آن عبرت بگیرند و آن عمل را انجام ندهند و در امور زندگانی خود لحاظ بنمایند. امام علی (علیه السلام) به یکی از کارگزارانش می فرماید: «از حوادث گذشته دنیا برای باقی مانده آن عبرت گیر، چرا که بعضی از آنان همانند بعضی دیگر است و پایانش به نخستین آن ملحق می گردد، اما همه آن گذرا و ناپایدار است.» (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۴۳۵) نمونه های دیگری نیز از این باب روایات نیز موجود می باشند که همگی به این موضوع اشاره دارند (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۳۴۳-۷۱-۲۷۱). روش دیگری که برای تربیت و آموزش کارگزاران اسلامی مورد استفاده قرار می گیرد روش پند و اندرز می باشد. در منابع اسلامی اعم از قرآن و سخنان پیامبران و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) فراوان از پند و اندرز می باشد. قرآن پند و اندرز را به عنوان شیوه ای برای دعوت و هدایت مردم عنوان کرده است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» (نحل ۱۲۵) «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» به دلیل مصون نبودن انسان از خطا و اشتباه و لغزش ها که در رهگذر نفس اماره به وجود می آید و گاه با وسوسه ی شیطان همراه است، هزاران دام در زندگی انسان ها متصور است. در خصوص مدیران به واسطه ی قدرتی که در دست ایشان است این امر مضاعف می شود. لذا آن بزرگواران در تربیت مردم و کارگزاران از شیوه پند و اندرز کمک می گرفتند که به واسطه آن نکات اخلاقی و توصیه ها را خاطر نشان می کردند. این مواعظ و اندرزها به سه حالت بوده است: ۱- برخی مربوط به اخلاق و رفتار شخصی آن کارگزار بوده است (ابن هشام، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۳۷؛ حرانی، ۱۳۹۳: ۲۵؛ سیدرضی، ۱۳۸۵: ۳۷۱ و ۴۰۳) ۲- برخی مربوط به اجتماع و چگونگی برخورد با مردم و افراد زیر دست کارگزاران بوده است (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۴۰۳) ۳- برخی مربوط به شناخت آفات قدرت و حکومت و پرهیز از آن بوده است. (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۷۴: ۹۰)

۴.۶. اصل نظارت و کنترل در حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله)

نظارت به معنای مراقبت و زیر نظر داشتن و دیدبانی است. نظارت و کنترل انواع مختلفی دارد: ۱- نظارت خداوند و ماموران او بر انسان ۲- نظارت انسان بر اعمال و رفتار خود ۳- نظارت حکومت بر کارگزاران خود ۴- نظارت عمومی و همگانی شامل نظارت مردم به مردم، مردم بر حکومت و حکومت بر مردم می شود. سیره پیامبران و امامان معصوم (صلوات الله علیهم) بیانگر آن است که هرچند همواره به کارگزاران خود به شیوه ی پند و اندرز و هشدار، آنان را متوجه وظایف و مسئولیت های خود می کرده اند اما هرگز به این بسنده نمی کردند، چرا که به خوبی می دانستند قدرت همواره به سمت اقتدار طلبی و تمامیت

خواهی منحرف می‌شود و هر انسانی به غیر از معصوم همواره در معرض وسوسه های قدرت قرار دارد. طبق این موضوعات به حدیثی از رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر می‌خوریم که می‌فرمایند: «حاسبو انفسکم قبل ان تحاسبوا...» (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۶۷: ۹۰) یعنی: پیش از اینکه شما را محاسبه کنند، خود را محاسبه کنید؛ هم‌چنین امام علی (علیه السلام) «اجعل نفیک علی نفسک رقیبا» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۱) یعنی: از خود مراقبی بر خویش قرار بده. هم‌چنین به مالک اشتر دستور دادند که با فرستادن ماموران مخفی و شایسته عملکرد کارگزاران خود را زیر نظر بگیرد، در علت آن فرمودند: چون بازرسی و نظارت پنهانی بر کارهایشان آنان را به رعایت امانت داری و مدارا، با مردم وادار می‌سازد. (سیدرضی، ۱۳۸۵، ۴۰۳) در سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله) آمده است که هرگاه سپاهی را به ماموری می‌فرستادند، فرماندهی را نصب می‌کردند و یکی از افراد مورد اعتماد خود را نیز با آنان همراه می‌کردند تا بر عملکرد فرماندهی نظارت داشته باشد و خبرها را پنهانی به حضرت برساند. (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۴۲؛ مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۹۷: ۶۱) از این قبیل حکایات در سیره ی معصومان (علیهم السلام) زیاد آمده است که اهمیت نظارت و ارزیابی را در مدیریت اسلامی بیان می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۶: ۹۴؛ سیدرضی، ۱۳۸۵: ۳۴۵-۳۵۷-۳۶۹-۳۸۹-۳۹۱-۳۹۳)

۵.۶. نظام تشویق و تنبیه در حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله)

اصل بعدی در مدیریت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) اصل تشویق و تنبیه است. بی‌تردید اگر تشویق و تنبیه درست به کار برده شود در تربیت و اصلاح کارگزاران نقش مهمی را ایفا می‌کند، چرا که ممکن است سهل انگاری یا تند روی در به کار گیری آن، پیامدهای زیان باری را در پی داشته باشد. به عنوان نمونه در مدیریت امام علی (علیه السلام) یاران و اصحابشان را با توصیف و تعریف و عبارت های حماسی تایید و تشویق می‌کردند، از باب نمونه در خطبه ای خطاب به آنان فرمودند: «شما یاران حق و برادران دینی و ایمانی که در روز جنگ و سختی چون سپر نگهبان حق هستید...» (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۱۶۱) و پیش از جنگ صفین طی نامه ای به شماری از کارگزارانش ضمن ستایش و تقدیر، از آنان برای همکاری و همراهی در جنگ بر ضد معاویه دعوت کرد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۸۳) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز انواع تشویق ها را به کار می‌گرفتند و هر کجا چاره ای جز تنبیه و کیفر نبود، هم چون پزشکی خبره از بهترین دارو استفاده می‌کردند. ذکر این نمونه از شیوه های مدیریتی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) بسیار است که در مدیریت ایشان بر کارگزاران و مدیران اسلامی استفاده شده است. (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۳۸۹-۳۹۱-۳۹۳-۱۰۹) و (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱۵: ۱۳۸).

۷. نتیجه گیری

آثار و اماکن مقدس اسلامی نقش به سزایی در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی از گذشته تا به امروز ایفا می‌کنند. این آثار نشان دهنده ی تاریخ اسلام هستند و در شکل گیری هویت اسلامی در نسل های مسلمانان تأثیر گذار بوده اند. از این رو مدیریتی را طلب می‌کند که این آثار و اماکن مقدس را در جهت محفوظ بودن از نابودی، انحطاط، فرسودگی و هرگونه لطمه حفظ نمایند و حداکثر استفاده را از جهات مختلف که متصور است از آن ها داشته باشند. علاوه بر آن با اعمال مدیریت اسلامی در اماکن و آثار مقدس می‌توانیم نقش چشم گیری را در شکل گیری فرهنگ و تمدن نوین اسلامی ایفا کنیم. با

الگوی مدیریت اسلامی که نمونه آن را در حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) شاهد بوده ایم، می توان به سوی ایجاد مدینه فاضله گام برداشت.

۸. منابع:

قرآن کریم

- ابن نجار . (۱۴۴۲ق). *دوره الثمینة فی اخبار المدینة . مکة : دار الثقافة*.
- ابن زبالة . (۱۴۲۴ق). *اخبار مدینة . المدینة المنورة : مرکز بحوث و دراسات*.
- المنذری، عبد العظیم بن عبد القوی . (۱۴۱۷ق). *الترغیب و الترہیب من الحدیث الشریف* . بیروت : دار الکتب العلمیہ .
- ابن خلدون . (۱۹۹۶م). *مقدمہ تاریخ* . بیروت : دار المکتبہ الهلال .
- اصفہانی، راغب . (۱۳۸۸ش). *مفردات* . مترجم سید غلامرضا خسروی، تهران : مرتضوی .
- آمدی، عبد الواحد . (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم* . قم : دار الکتاب الاسلامی .
- اثیر، عزالدین . (۱۴۰۹ق). *اسد الغابہ* . بیروت : دار الفکر .
- ابن ہشام، عبد الملک . (۱۳۸۹ق). *السیرہ النبویہ* . قم : ناشر دار الہدی الاحیاء التراث الاسلامی .
- الکتنانی، محمد عبد الحی . (۱۳۹۱ق). *نظام الحکومہ النبویہ* . مترجم علیرضا ذکاوتی، تهران : سمت .
- ابن ابی الحدید . (۱۳۶۳ش). *شرح نہج البلاغہ* . قم : مکتبہ آیت الله مرعشی نجفی .
- ابن حنبل، احمد . (۱۴۱۶ق). *مسند بیروت : موسسہ الرسالہ* .
- پادشاه، محمد . (۱۳۶۲ش). *فرہنگ اندراج* . تهران : کتابفروشی خیام .
- پایندہ، ابو القاسم . (۱۳۸۶ش). *نہج الفصاحہ* . تهران : جاویدان .
- حرانی، ابو محمد حسن . (۱۳۹۳ش). *تحفہ العقول* . مترجم صادق حسن زادہ، قم : آل علی .
- حمیری، عبد الله جعفر . (۱۴۱۳ق). *قریب الاسناد* . قم : موسسہ آل البیت (علیہم السلام) .
- روئین، پاکباز . (۱۹۹۹م). *دائرہ المعارف ہند* . تهران : فرہنگ معاصر .
- ری شہری، محمد مہدی . (۱۳۸۴ش). *میزان الحکمہ* . قم : دار الحدیث .
- سید رضی . (۱۳۸۵ش). *نہج البلاغہ*، مترجم: محمد دشتی، قم: موسسہ فرہنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (علیہ السلام).
- شیخ مفید . (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفہ حجج الله علی العباد* . بیروت : انتشارات دارالمفید .
- شیخ حر عاملی . (۱۳۸۶ق). *وسائل الشیعہ* . تهران : کتابچی .
- شیخ صدوق، ابن بابویہ . (۱۳۹۵ق). *من لا یحضرہ الفقیہ* . قم : جامعہ مدرسین .
- طبرسی، فضل بن حسن . (۱۳۸۶ش). *مکارم الاخلاق* . قم : حبیب .
- علی بن حسام الدین . (۱۴۱۳ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال* . بیروت : موسسہ الرسالہ .
- فیض کاشانی، ملا محسن . (۱۳۶۹ش). *الوافی* . قم : کتابخانہ امیرالمومنین علی (علیہ السلام) .

قمی، عباس. (۱۳۱۶ش). *مفاتیح الجنان*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی به نشر.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳ش). *اصول کافی*. مترجم حسین استاد ولی، تهران: ناشر دارالثقلین.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۴۰ق). *بحار الانوار*. قم: ناشر داراحیاء التراث العربی.

مطهری، حمید رضا. (۱۳۹۲ش). *حیات، حکمت و حکومت پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله)*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۸ق). *التمهید فی العلوم قرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مزینانی، محمد صادق. (۱۳۸۹ق). *ماهیت حکومت نبوی*. قم: بوستان کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم

میانجی، احمد. (۱۳۷۷ق). *مکاتیب الرسول*، قم: ناشر موسسه فرهنگی دارالحديث.

محمد پادشاه. (۱۳۳۶ش). *فرهنگ آندراج*. تهران: خیام، چاپ اول.

نجفی، محمد حسن. (۱۴۳۰ق). *جواهر کلام*. بیروت: ناشر داراحیاء التراث العربی.

نوری، محدث میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: ناشر موسسه آل البيت.

واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). *المغازی*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۹۵ق). *تاریخ یعقوبی*. مترجم محمد ابراهیم آیتی، قم: ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

Britannica The New Encyclopaedia Islam- life(2005), Publisher Encyclopaedia Britannica, Scottish-founded American company Volume 22

Jenkins Marilyn, Ettinghausen Richard , Grabar Oleg (2001) Islamic art and architecture Publisher New Haven, CT Yale University Press Pelican history of art 650-1250

Schimmel .A and Rivolta. B,(1992) The Metropolitan Museum of Art is collaborating with JSTOR to digitize, preserve, and extend access to *The Metropolitan Museum of Art Bulletin* www.jstor.org , Summer 1992 - Spring 1993 New Series, Volume L